

*مرجان مرتضوی
**خشایار قاضی زاده :

چکیده

"شفاف بینی" یکی از نمونه های جالب توجه در نقاشی کودکان است. این اصطلاح به شیوه ای از نقاشی کودکان اطلاق می شود که در آن کودک به طور همزمان بیرون و درون و قسمت های پنهان اشیاء و اشخاص را به تصویر می کشد. مشابه چنین نگرشی در آثار نگارگری ایرانی هم به چشم می خورد و تصویرگران در آثارشان از این شیوه استفاده کرده اند. به کار گیری این شیوه به تصویرگران کمک می کند بتوانند از فضای کوچک تصویر به بهترین نحو استفاده کرده، تصویر را گسترش داده و به بیان کامل تر و جذابیت بیشتری دست یابند.

بر اساس مطالعه انجام شده در این تحقیق که به روش توصیفی و تحلیلی انجام گرفته، انواع مختلفی از شفاف بینی در آثار تصویرگران دیده می شود که پس از بررسی در دسته بندی هایی که در این مقاله آمده، قرار داده شده اند. نتایج این تحقیق تاثیر هنر کودکان و پیشینه هنر تصویرگری ایران را در تصویرسازی های معاصر نشان داده و از سوی دیگر شکلی مدون به انواع شفاف بینی در تصویرسازی بخشیده که می تواند زمینه ساز افق های تازه ای در تصویرسازی باشد.

واژگان کلیدی: شفاف بینی، تصویرسازی، کتاب کودک، نقاشی کودکان.

*کارشناس ارشد رشته تصویرسازی
**عضو هیات علمی و استادیار دانشکده هنر دانشگاه شاهد

تحقیقات انجام شده نشان می‌دهند تصاویر بر روی ذهن کودک تاثیر زیادی می‌گذارند. بنابر این تصویرگر وظیفه دارد تصاویری خلق نماید که ذهن خلاق و بلند پرواز کودک را محدود نکند. برای این منظور می‌توان از نقاشی‌های کودکان نیز الهام گرفت، همان‌طور که بسیاری از نقاشان و تصویرگران دست به چنین کاری زده‌اند.

در نقاشی‌هایی که شفاف‌بینی در آن‌ها دیده می‌شود، کودک تصور ذهنی خود و نه مشاهده بصری اش را ترسیم می‌کند. برای ترسیم یک خانه اگر داخل و خارج آن برای او مهم باشد هر دو قسمت را نشان می‌دهد، بنابر این قسمت‌های مختلف و پنهان به وضوح دیده می‌شوند. محققان این شیوه را "اشعه ایکس" نیز می‌نامند که در نقاشی‌های کودکان بین 5 تا 9 سال به چشم می‌خورد.

آن چه مطرح می‌شود این است که تصویرگران با چه هدفی از شفاف‌بینی در آثار خود استفاده کرده‌اند و شفاف‌بینی به چه شیوه‌هایی جلوه‌گر شده است.

شفاف‌بینی در نقاشی کودکان

شفاف‌بینی یکی از جالب‌ترین ویژگی‌های نقاشی کودکان است. کودکان هر چه بزرگتر می‌شوند، نقاشی‌های آن‌ها نیز واقع‌گرایانه‌تر می‌شود، اما نقاشی کودکان در یک دوره هنوز شامل عناصری است که کودک بر وجود آن‌ها آگاهی دارد، حتی اگر به طور طبیعی قابل دید نباشند. یعنی کودک واقعیت بیرونی را نسخه برداری نمی‌کند، بلکه آن‌چه را که شناخته است به تصویر درمی‌آورد. (تصویر 1 و 2)

این خصوصیت مربوط به مرحله‌ای است که لوکه آن را «واقع‌گرایی فکری» نامیده است. (توماس، 1370، 46) این که کودکان در چه سنینی این گونه نقاشی می‌کنند نظرهای متفاوتی وجود دارد. گلین. وی. توماس و آنجل. ام جی. سیلکر در کتاب خود "مقدمه‌ای بر روانشناسی نقاشی کودکان"، فاصله سنی 5 تا 7 سال را متعلق به این نوع نگاه دانسته‌اند. در صورتی که آنا اولیور فراری در

کتاب "نقاشی کود کان و مفاهیم آن" فاصله سنی 7 تا 9 ساله را در دوره شفاف‌بینی بررسی نموده است.

آنچه مسلم است در برخی کودکان با توجه به رشد ذهنی آنها این امر زودتر دیده شده و در برخی دیگر دیرتر. حتی ممکن است عبور از این دوره آنقدر سریع باشد که به نظر برسد کودک چنین دوره ای نداشته است.

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد کودک واقعیت‌های بیرونی را نسخه برداری نمی‌کند، بلکه آنچه را که شناخته، به تصویر در می‌آورد. به این صورت که وقتی می‌خواهد خانه ای بکشد، اگر داخل و خارج خانه به یک اندازه برایش مهم باشند هر دو قسمت را با هم می‌کشد. یعنی خانه ای که اجزای داخل آن از بیرون دیده می‌شود را ممکن است درون خانه بکشد و هر آنچه که برایش اهمیت دارد، درون آن دیده شود. گویی که دیوار خانه از جنس شیشه است، زیرا می‌داند که در پشت دیوار، زیر لباس، داخل اتوموبیل و غیره چه چیزی وجود دارد. (تصاویر 3 و 4)

روش کار کودک برای نشان دادن واقعیت بیرونی، نه مانند بزرگسالان به صورت بصری، بلکه به روش ذهنی است. به این صورت که اگر بزرگسالان با در نظر گرفتن منطق در هر ترسیمی از اشیاء یک جهت از واقعیت بیرونی آن را نشان می‌دهند، ولی کودک با سادگی خود موفق می‌شود تمام جهاتی را که با هم قابل رویت نیستند ولی قابل تصور هستند نشان دهد. (فراری، 1379، 47)

"فریمن"¹، یکی از پژوهشگران فعال در زمینه نقاشی کودکان، دو نوع نقاشی شفاف‌بینی را از یکدیگر متمایز کرده است. نخست نقاشی‌هایی که در آنها چیزی تصویر شده که در جهان واقعی اغلب قابل مشاهده نیست مانند بچه ای که در شکم مادرش نشان داده می‌شود یا مگسی که در شکم یک عنکبوت است. روشن است که در این نوع نقاشی، کودک قصد دارد محتویات معمولاً پنهان

¹ Freeman

شکم را نشان دهد. در نوع دوم شفاف بینی، کودک نمی تواند غیر قابل رویت بودن چیزی را که اغلب در پشت یک شیء نزدیکتر قرار دارد، نشان دهد. مثلا کودکان در این مرحله ممکن است یک انسان را به گونه ای نقاشی کنند که پای غیر قابل رویت سوارکار از پشت بدن اسب پیدا باشد (توماس، 1370، 46) و یا دو شیء مانند لیوانی در پشت پارچ را به این صورت می کشد که لیوان بالاتر از پارچ و با فاصله ای قرار گرفته است. (تصویر 5)

شفاف بینی در آثار نقاشان مدرن

تردیدی وجود ندارد که در حال حاضر طرح ها و نقاشی های کودکان خردسال، در میان بسیاری از بزرگسالان در جوامع غربی جذابیت گسترده ای دارد. بسیاری از متخصصان نظیر آرنه‌ایم (1956)²، لوونفلد³ و بریتین (1975)⁴، گاردنر (1980)⁵، از شباهت میان طرح ها و نقاشی های کودکان خردسال و آثار هنرمندان مشهوری از قبیل کلی⁶، کلیمت⁷، میرو⁸، پیکاسو⁹ و دیگران سخن گفته اند. این شباهت تصادفی نیست، هنرمندان حرفه ای آگاهانه، سبک نقاشی کودکان خردسال را تقلید کرده اند به ویژه "کلی"، هنر کودکان را مطالعه کرده بود و تحت تاثیر آن قرار داشت، به همان ترتیب که پیکاسو و مودیلیانی¹⁰ از مجسمه ها و کنده کاری های آفریقایی الهام می گرفتند. (توماس، 1370، 207)

هنرمندان مدرنیست بیش از هر چیز به عدم رعایت عمق‌نمایی که در آثار کودکان بسیار به چشم می خورد، جذب شدند. ارائه زاویه دیدهای نوعی،

² Arenheim

³ Lowenfeld

⁴ Brittain

⁵ Gardner

⁶ Klee

⁷ Klimt

⁸ Miro

⁹ Picasso

¹⁰ Modigliani

مجاورت زاویه دیدهای غیر متعارف و تصاویر شفاف‌بینی یا اشعه ایکس، سه نمونه انحراف از عمق‌نمایی است که نقاشان مدرن سعی کردند در آثار خود از آن‌ها استفاده کنند. در میان این نقاشی‌ها شفاف‌بینی نیز بسیار دیده می‌شود. به عنوان نمونه می‌توان اثری از "پل کله" به نام "درون یک خانه" را نام برد. (تصویر 6)

در این اثر، شاهد خانه‌ای هستیم که کله به طور شفاف‌بینی درون و بیرون آن را به صورت هم‌زمان نشان داده است. چراغ‌ها، تخت خواب، راه پله، فرش و غیره اجزای داخلی خانه هستند که با این شیوه قابل رویت شده‌اند. در نقاشی "خفه شده" اثر "خوان میرو" (تصویر 7)، همانند دیگر آثار این هنرمند ابتدا با چند خط و لکه رنگ رو به رو می‌شویم. اما میرو با نام گذاری نقاشی‌های خود سعی بر این دارد که به این خطوط معنا بخشد. در این اثر بیننده با مشاهده عنوان به دنبال عناصری می‌گردد که دست به تعبیر آن بزند. پس از این است که در این لکه‌ها و خط‌ها چیزی شبیه به گردن و سر یک پرنده را می‌یابیم که منقارش را باز کرده و چشمانش گرد شده است. نزدیک گلویش با خط خطی‌ها و نقاطی پر شده که اگر بخواهیم با توجه به نام گذاری میرو، اثرش را تعبیر کنیم، همان چیزهایی است که در گلوی پرنده گیر کرده و باعث خفه شدنش شده و او به شیوه‌ای ساده از شفاف‌بینی برای انتقال این مفهوم استفاده کرده است.

دیوید هاکنی¹¹، در یکی از آثارش به نام "پسر پنهان شده در یک ماهی" (تصویر 8) برای نشان دادن پسری که در شکم ماهی گرفتار شده، از همین شیوه استفاده کرده و این با آمدن پولک‌ها و فلس‌های ماهی و خط آبشش به روی بدن پسر، به خوبی احساس می‌شود، گویی ماهی از جنس شیشه است.

البته نباید نادیده گرفت که چون هنرمندان نسبت به کودکان اطلاعات بیشتری دارند بازده هنری آن‌ها پیچیده‌تر است.

¹¹ Hockney David

همان‌طور که در بخش شفاف‌بینی در نقاشی کودکان اشاره شد به نظر "فریمن" دو نوع شفاف‌بینی وجود دارد. نوع اول آن است که محتویات درونی یک شیء به تصویر در می‌آید و نوع دوم به این شکل است که اشیاء پشت یکدیگر پنهان نشده و به صورت مجزا از هم کشیده می‌شود، به طوری که هیچ کدام از نگاه بیننده پنهان نمانده و به وضوح دیده می‌شوند. هر دو نوع در نگارگری ایرانی کاربردی چشمگیر داشته است، به ویژه نوع دوم که به عنوان پایه و اصولی برای نگارگری ایرانی محسوب می‌شود.

شاید تاکنون کسی عنوان شفاف‌بینی را برای نحوه قرارگیری عناصر تصویری در نگاره‌های ایرانی به کار نبرده باشد، اما آنچه که در این نگاره‌ها دیده می‌شود گواه بر این است که می‌توانیم از این عنوان برای توصیف ترکیب بندی آن‌ها استفاده کرده و از این نگاه به بررسی این آثار بپردازیم.

یکی از این نگاره‌ها مربوط به ماجرای مشهور **نجات بیژن از چاه** در شاهنامه است که بسیار هم مصور شده است. در این اثر **بیژن توسط رستم** از سیاهچالی که در آن محبوس بوده، نجات پیدا می‌کند. (تصاویر 9، 10 و 11)

هنرمند ایرانی مانند همیشه فرض را بر این گذاشته که مخاطب می‌خواهد بدانچه خبر است! بنابراین نقاش ستارگان را در آسمان نقاشی کرده، زیرا ستاره علامت شب و زیبایی است در حالی که تمام چیزهای دیگر را در نور کامل نشان می‌دهد. علاوه بر این چون گمان می‌کند می‌خواهیم زندانی را مثل کسانی که او را از سیاهچال بالا می‌کشند ببینیم، بی‌هیچ نگرانی بخشی از زمین را برداشته و گویی ما داخل سیاهچال را از پشت یک پنجره می‌بینیم. همه چیز از نقطه نظر روشن ساختن چیزها برای لذت تماشاگر انجام می‌شود که البته از دید دقیق بیننده به دور است و همه مطلب برای بیان حقیقت است. هنرمند کسی

است که بتواند حالت یک‌رنگ بچه و احساس شگفتی او را حفظ کند. (پوپ، 1369، 69 و 70)

گفته **پوپ** دقیقاً اشاره به همان چیزی دارد که ما آن را شفاف بینی می‌نامیم، آن-چه که باعث می‌شود بیننده لذت بیش‌تری از دیدن تصویر برده و در آن سفر کند تا این که یک تصویر رسمی و ساده به صورت واقع‌گرایی محض که هیچ جایی برای تخیل بیننده باقی نمی‌گذارد. شاید این نوع برخورد با ترکیب بندی از ضمیر ناخودآگاه و کودکی هنرمندان ایرانی سرچشمه گرفته باشد. چنین نگاهی را در دوره های مختلف نگارگری ایرانی می‌توان مشاهده کرد. در نگاره ای از نسخه کلیله و دمنه دوره ایلخانیان با عنوان "دزد در اتاق خواب" (تصویر 12) و "هارون الرشید در گرمابه" اثر کمال الدین بهزاد (تصویر 13) اوج رشد و شکوفایی ترکیب بندی هایی از نوع شفاف بینی را می‌توان دید. گویی نگارگر با چشم خیال برشی طولی در سطح مقابل مجموعه ساختمان داده و دیوارهای مزاحم را از پیش برداشته است تا بتواند همه بخش های موردنظر خویش را جلوه گر سازد. رابطه ای که تبادل فضاهای مختلف داخلی و خارجی با یکدیگر به وجود آورده اند توجه را به تناوب، به مکان های مستقل ولی تالیف یافته با هم جلب می‌کند و مجموعه ای از حالات و کیفیت های گوناگون از کلیات یک واقعیت را به ذهن القاء می‌نماید.

شفاف بینی در تصویرسازی

تصویر سازی کتاب طیف وسیعی از موضوعات متنوع را در برمی‌گیرد، بنابراین ضروری است که برای بررسی دقیق تر آن ها يك تقسیم بندی کلی

موضوعی از کتاب ها و تصاویر به عمل آورد. تقسیم بندی مرسوم به این ترتیب است که کتاب ها را در دو گروه کلی قرار می دهند:

1- کتاب های تخیلی¹²

2- کتاب های غیر تخیلی¹³

در هر دو دسته می توان نمونه های بی شماری از شفاف بینی مورد استفاده تصویرگران را مشاهده کرد. البته تنوع در این شیوه در کتاب های تخیلی بسیار بیش تر است تا کتاب های غیر تخیلی که در ادامه به بررسی این آثار می پردازیم.

شفاف بینی در کتاب های تخیلی

با توجه به آنچه گفته شد اکنون به تصویرسازی های کتاب های داستانی که در آن ها شفاف بینی به کار رفته می پردازیم. در نمونه های جمع آوری شده رویکردهای متفاوت تصویرگران با موضوع و شیوه به تصویر کردن متن، تحت عنوان شفاف بینی، دیده می شود. در مجموع این تنوع و نوآوری ها را می توان تقسیم بندی نمود، به این صورت که سه شیوه یا سه نوع شفاف بینی در این تصاویر وجود دارد که براساس تفاوت در روش نمایش برای هر یک نامی انتخاب شده است:

1- تصاویری که درون يك شيء یا جسم را نشان می دهند. (روش برشی)

2- تصاویری که به صورت پله ای ترکیب بندی شده اند و هیچ عنصری پشت

عنصر دیگری پنهان نشده است. (روش افق رفیع)

3- تصاویری که در آن تمامی خطوط شکل ها، حتی آن هایی که جلوی

یکدیگر قرار گرفته اند، دیده می شود. (روش تلفیقی)

¹² Fiction

¹³ Nonfiction

1- روش برشی

تعداد تصاویری که به این شیوه کار شده اند به طور قابل توجهی بیش تر از دو دسته دیگر است. این روش را اصطلاحاً روش برشی نامیده اند زیرا به نظر می رسد هنرمند قسمتی از تصویر را برش داده تا درون آن دیده شود، به عنوان مثال دیوار جلوی یک خانه برش خورده و داخل آن با تمام وسایل دیده می شود؛ مشابه این وضعیت در نقاشی های کودکان و نگارگری ایرانی نیز به کار رفته که پیش تر به آن ها اشاره شد. این تصاویر از نظر موضوعی وجه اشتراك هایی با هم دارند که بر این اساس می توان آن ها را **به طور عمده به دو دسته درون بدن و درون محیط یا فضایی که در حالت معمولی غیر قابل رویت است تقسیم نمود و البته با توجه به استفاده زیاد تصویرگران از محیط های خاص می توان تصاویر را به چهار دسته تقسیم نمود:**

الف- تصاویری که درون دل يك انسان یا حیوان را نشان می دهند. یکی از نمونه های بسیار جالب و موفق در این زمینه کتاب «به راستی سگ ها چگونه کار می کنند!»¹⁴ می باشد که توسط "آلن اسنو"¹⁵ نوشته و تصویر شده است. این کتاب به معرفی سگ ها می پردازد، این که چگونه حرکت می کنند، فکر می کنند، غذا می خورند و غیره. تصویرگر فضایی درونی بدن سگ را برای بیننده آشکار می کند، چیزی که در واقعیت امکان پذیر نیست. درون سگ پر از پیچ و مهره، چرخ دنده، فنر و لوله و غیره است. (تصویر 14)

ب- تصاویری که درون يك خانه را نشان می دهند.

¹⁴ How dogs really work!

¹⁵ Alen Snow

در کتاب «موش شهري و موش روستايي»¹⁶، اثر "هلن کرایج"¹⁷ تصویر موش شهري را مي بينيم که وارد خانه دوستش در روستا مي شود. تصويرگر با برداشتن ديوار خانه اين امکان را به بيننده مي دهد تا درون خانه را ببيند. تمام جزئیات خانه با دقت و ظرافت تمام نشان داده شده است. از طبقه زيرين که انبار غذا است، طبقه وسط که صندلي، کمده ظرف، ميز، تابلو و پنجره اي که از آن نور به داخل خانه تابيده و طبقه بالا که در آن اطاق خواب قرار دارد با دو تخت، ميز و تابلوهاي روي ديوار. در ادامه داستان تصوير ديگري است که تنها محوطه بيروني خانه را نشان مي دهد. در مقايسه مي بينم اگر تصوير پيشين هم به همين صورت ترسيم مي شد، يعني فقط محوطه خارجي خانه را نشان مي داد چقدر از لطف و بيان تصوير کم مي شد در صورتی که حالا با نگاه کردن به محيط خارجي خانه می توان درون آن را تصور کرد. (تصویر 15)

ج- تصاویری که زیر زمین را نشان می دهند. در این دسته تصاویری قرار دارند که داستان آن ها به نوعی در زیرزمین اتفاق افتاده است. داستان «موش کور تنها» با تصاویر "فرشته نجفی" یکی از این نمونه ها است که موش کوری را نشان می دهد که به تنهایی در زیرزمین زندگی می کند. خط زمین مشخص است، گل هایی که روی آن روئیده و بخشی از تنه درخت کشیده شده است. قسمتی از زمین سوراخ شده و موش کوری در آن زندگی می کند. رنگ ها شاد و روشن هستند و فضاي تصويري داستان براي کودک به خوبی قابل فهم گشته است. (تصویر 16)

د- تصاویری که زیر دریا را نشان می دهند.

¹⁶ The town Mouse and The country Mouse

¹⁷ Helen Craig

در این تصاویر به طور همزمان زیر دریا و بیرون آن تصویر سازی می‌شود. در یکی از این نمونه‌ها که توسط "آندره افرمن"¹⁸ تصویر شده، کشتی در حال غرقی را می‌بینیم که درون دریا فرو رفته و تنها دماغه آن از آب بیرون است. سرنشینان کشتی همراه با انواع حیواناتی که در آن هستند، همه در آب شناورند و تلاش می‌کنند خود را به سطح آب برسانند. اما در روی سطح دریا تنها يك قایق قرار دارد و شخصی که درون آن نشسته دستش را دراز کرده تا ببری را نجات دهد. تصویرگر با موفقیت توانسته غرق شدن کشتی را در دریای طوفانی به تصویر درآورد و بیننده را با احساس سرنشینان کشتی و آن‌چه که بر آن‌ها گذشته، شریک سازد. (تصویر 17)

2- روش افق رفیع

گاهی تصویرگران سعی می‌کنند چشم‌انداز وسیع تری را به کار گیرند تا از فضای صفحه استفاده بهتر کرده و عناصر تصویری را طوری ترکیب بندی نمایند که به خوبی دیده شوند، بنابر این عناصر تصویر را به صورت پله پله بالای یکدیگر قرار می‌دهند. به این ترتیب آن‌چه در جلوی تصویر و نزدیک به بیننده قرار دارد، در پایین صفحه و هرچه دورتر می‌شود به بالای صفحه نزدیک می‌شود.

در کتاب «نشانی»، "شراره خسروانی" از نگاهی کودکانه با موضوع روبه‌رو شده و تصاویری که ارائه داده الهام گرفته از نقاشی‌های کودکان است. به عنوان مثال در یکی از تصاویر این کتاب خودرویی با سرنشینانش مشاهده می‌شود که به طور همزمان از زاویه رو به رو و بالا تصویر شده است. برای آن که راننده و شخص دیگری که جلو نشسته، مانع دیده‌شدن افراد پشت نشوند به صورت عمود از بالا دیده

¹⁸ Andrea Offermann

شده در حالی که اشخاص از رو به رو به تصویر شده اند. در مورد خیابان و آدم هایی که در ایستگاه اتوبوس هستند هم این شیوه رعایت شده است. (تصویر 18)

همانند این تصاویر در کتاب «استرگا نونا»¹⁹ اثر "تامی دپاولا"²⁰ نیز دیده می شود. این عناصر تصویری به گونه ای چیده شده اند که به طور همزمان محوطه بیرون ساختمان (دیوار و افرادی که جلوی آن صف کشیده اند) و محیط درونی آن (چند ساختمان دیگر و حیاطی که فواره و حوضی در آن هست و افرادی آن جا در حال گوش کردن به حرف های شخصی هستند که روی لبه حوض ایستاده است) مشاهده می شود. تصاویر دیگر این کتاب به همین ترتیب تصویر شده اند. (تصویر 19)

در واقع این همان شیوه ای است که نگارگران ایرانی قرن ها پیش به آن رسیدند و به صورت يك اصل در نگارگری درآمده و به آن افق رفیع می گویند. در این آثار خط افق به بالای تصویر منتقل شده و گویی بیننده از بالا شاهد همه چیز است. کودکان هم در نقاشی های خود از این روش استفاده کرده اند.

3-روش تلفیقی

در این شیوه به نظر می رسد شکل ها به صورت لایه های شفاف هستند و با وجود این که جلوی یکدیگر قرار می گیرند، اما کاملاً یکدیگر را نمی پوشانند و مشخص است که خطوط تصویر زیری چه شکلی است، گویی شکل ها با یکدیگر تلفیق شده اند.

در کتاب «بابا برفی» با تصویرگری "آلن باباش"، بچه ها در حال درست کردن آدم برفی تصویر شده اند. گلوله های بزرگ برف در پیش

¹⁹ Strega Nona

²⁰ Tomie de Paola

زمینه تصویر و سطح پایینی آدم برفی در پشت آن ها قرار دارند، اما همان طور که گفته شد خطوط در هیچ کدام از این قسمت ها قطع نشده و گلوله های برف که جلوی همدیگر هستند به طور کامل دیده می شوند. همچنین خط افقی پایین آدم برفی با وجود آن که در پشت گلوله های برف قرار دارد اما امتداد خطوطش درون آن ها به چشم می خورد. درختانی که در پشت آدم برفی قرار دارند، شاخه های شان از میان دست های آدم برفی پیدا است و خطوط زمین از پشت کلاه و لباس پسر بچه ها و آدم برفی کوچک دیده می شود. (تصویر 20)

"نسرین خسروی" از جمله تصویرگرانی است که از این شیوه در آثارش استفاده می کند. او در آن واحد چندین سطح را به صورت لایه های شفاف به روی هم قرار می دهد که با وجود مهارت در به کارگیری روش و تخیل، در قسمت هایی از تصویر آشفتگی به همراه آورده است و بیننده دچار سردرگمی می گردد. باید توجه داشت بیننده کودکی است که هنوز قادر به درک پیچیدگی های تصاویر نیست. مثلا در تصویری از کتاب «هوای بچگی» که مختص گروه سنی ب (سال های آغاز دبستان، اول دو و سوم) است در پلان اول درختی دیده می شود که روی آن کلاغی نشسته و هر آن چه در سطوح زیرین است در روی کلاغ هم دیده می شود، پتویی که دختر به روی خود انداخته و پاهایش از زیر آن بیرون آمده، ساعت، نقش های قالی زیر بچه ها و نرده های ایوان همه همزمان دیده می شوند و با یکدیگر تلفیق شده اند و این درک تصویر را برای کودک با مشکل روبهرو می سازد. (تصویر 21)

به طور کلی می توان گفت این شیوه را باید با دقت به کار گرفت به طوری که کودک قادر به درک عناصر تصویری به طور جداگانه باشد و در میان خطوط تصویر سردرگم نگردد. به گفته دونیس داندیس²¹، پژوهشگر هنر، بزرگ ترین

²¹ Donis Dandis

امتیاز ارتباط به وسیله تصویر در قابل فهم بودن سریع و فوری آن است، زیرا در این گونه موارد محتوا و شکل را همزمان می توان مشاهده کرد. اگر يك پیام بصري به نحوي شایسته تنظیم شده باشد، معنای آن نیز بی درنگ به مغز منتقل می شود و برخلاف زمان نیازی به رمزگشایی یا ترجمه ذهنی کلمات ندارد. (زیک، 1981، 152)

شفاف‌بینی در کتاب های غیر تخیلی

منظور از غیر تخیلی همان‌طور که از نامش برمی آید، نوشته ای است که فاقد تخیل است. کتاب های غیر تخیلی بیش تر در قالب علمی و آموزشی شکل می گیرند و از این رو اغلب از قالب تخیلی با واقعیت سروکار دارند. بنابراین از خیال و عاطفه و حس هنرمند، تنها جایی مایه می گیرند که به اهداف آموزشی کمک کنند و یا دست کم خللی به آن وارد نسازند. این تصویرها بیش تر می کوشند بر عقل و اندیشه مخاطب تاثیر بگذارند تا خیال و احساس و عاطفه او (حجوانی، 1381، 18)

یکی از شیوه های مرسوم تصویرسازی کتاب های علمی و آموزشی، استفاده از شفاف‌بینی است که از سده های گذشته معمول بوده است. **شاید نخست چنین به نظر برسد که با توجه به رویکرد علمی- آموزشی تصویر این نوع آثار را نتوان در قالب شفاف بینی قرار داد، اما ذکر این نکته ضروری است که هنرمند تصویرگر در مصور ساختن متون علمی نیز به روش مشابه متون تخیلی اقدام نموده و اغلب از شیوه برش برای نمایش درون غیر قابل رویت افراد، اشیا و محیط های مختلف استفاده نموده است.** این تصاویر در کتاب های کالبدشناسی و فیزیولوژی حضوری چشمگیر دارند. در کتاب "تشریح منصوری" نسخه سده سیزدهم هجری قمری، پیکر انسانی با خطوط محیطی دیده می شود

که درون بدنش سیستم دستگاہ گوارشی و رگ ها کشیده شده است. (تصویر 22)

امروزه هم می توان در کتاب های پزشکی شاهد نمونه هایی از این دست بود، اما در مورد تصویرسازی کتاب های علمی و آموزشی کودکان چندان تفاوتی با کتاب های بزرگسالان دیده نمی شود. در این جا هم برای این که بتوان آن چه را که نوشته توضیح می دهد عینا به کودک نشان داد، از شفاف بینی استفاده شده است. به عنوان نمونه شرح ساختمان گوش و سیستم شنوایی که در کتاب علوم پنجم ابتدایی آمده است را تصویرگر به این صورت کار کرده که بخش بیرونی گوش کشیده شده و درون آن که هیچ گاه با دید معمولی قابل رویت نیست، با حذف لایه های مختلف صورت، مجمه و غیره انجام می پذیرد. یکی از این تصاویر با رنگ های هم خانواده صورتی و کرم و دیگری دارای تنوع رنگی است و برای نشان دادن هر قسمت از رنگ مخصوصی استفاده شده است، به عنوان مثال قسمت حلزونی گوش، به رنگ آبی، رگ ها، سرخ و استخوان، کرم است. این باعث می شود کودک سریع تر بتواند قسمت های مختلف را ببیند و درک متن و تصویر ساده تر شود. (تصویر 23)

نتیجه

نقاشی کودکان و نوع نگاه آن ها به دنیای پیرامون شان همواره مورد توجه و استفاده گروهی از هنرمندان قرار داشته و بسیاری از تصویرگران سرچشمه الهام و خلاقیت خود را نقاشی های کودکان می دانند. یکی از جلوه های نقاشی کودکان شفاف بینی است که با توجه به پژوهش های انجام شده آشکار گردیده نقاشان و تصویرگران نیز در آثار خود از آن استفاده نموده اند. نمونه های بسیاری از شفاف بینی، به ویژه در آثار تصویرگران ایرانی دوره معاصر،

وجود دارد که بیننده به راحتی می تواند با آن ها ارتباط برقرار کند. **در پاسخ به پرسش اصلی پژوهش می توان چنین اظهار نمود که** تصویرگران برای دست یابی به چند هدف این شیوه را در آثار خود به کار گرفته اند. آن ها به این وسیله توانسته اند هر آن چه را که پنهان از دید واقع گرایانه است را مقابل دید مخاطب قرار داده و به بیان تصویر کمک شایانی کنند. یکی دیگر از اهداف تصویرگران، جذابیت بخشیدن به تصویر و جلب مخاطب است، علاوه بر این توانسته اند فضای تصویر را گسترش داده و قسمت های بیش تری از داستان را نشان دهند. پژوهش صورت گرفته نشان می دهد شفاف بینی در آثار تصویرگران با شیوه های مختلفی جلوه گر گشته است که می توان این روش ها را طبقه بندی نمود، از جمله روش برشی، افق رفیع و تلفیقی که مورد اشاره قرار گرفت و می توان از آن ها به عنوان روشی کاربردی و تاثیرگذار برای رسیدن به تصویری مناسب برای ذهن سیال کودک، استفاده نمود.

منابع و مأخذ

پوپ، آرتور، آشنایی با مینیاتورهای ایرانی، ترجمه: نیر، حسین، تهران، بهار، چاپ اول، 1369.
توماس، گلین وی و آنجل ام جی سیلکر، مقدمه ای بر روانشناسی کودکان، ترجمه: مخبر، عباس، تهران، چاپخانه تک، چاپ اول، 1370.
حجوانی، محمد، تصاویر غیر تخیلی، رویش عاشقانه ها، دوره پنجم، شماره 2، 1381.
فراری، آنا الیور، نقاشی کودکان و مفاهیم آن، عبدالرضا صرافان، تهران، چاپخانه دیبا، چاپ هفتم، 1379.

Rubin , Zick , The Psychologi of Being Humak , New York, Harpper & Row , 1981.

Marjan Mortazavi: Graduate student in the field of illustration

Khashayar Ghazizadeh: Assist Prof. of art faculty in Shahed university

Abstract

One of the interesting aspects of children's paintings is transparency. Transparency is the quality in children's painting that able the child to show the inside and outside, appear and hidden parts of things and characters at the same time. The same thing has been seen in religious eras especially in Persian Miniatures paintings, and also many illustrators have used this characteristic in their works. Using this method has helped illustrators make the best use of little space of their paper and expand the vision of the picture.

Based on studies in this article which has done in descriptive method, there are several kinds of transparency in illustrations which after surveying put in categories in this essay.

The results of this research has shown the influence of children's painting and Persian miniatures in contemporary illustrations and also has made a codified form in different kinds of transparency in illustration which can underlie the new horizons in illustration.

Key words: transparency, illustration, children book, children's painting, **contemporary**